

بررسی مفهوم و ابعاد رشد پراکنده شهری

نویسنده: اسدالله رامین (حنیف)

چکیده

توسعه افقی به شکل پراکنده‌رویی شهری پدیده‌یی است که در سالهای اخیر در بیشتر شهرهای جهان رخ داده است. این پدیده به عنوان یکی از چالشها و مسایل نیمه دوم قرن بیستم مورد توجه بسیاری از کشورهای جهان قرار گرفته است. پراکنده‌رویی شهری از جمله چالشهای سیاست گذاری فضایی است که به صورت گسترش پراکنده و کم تراکم، جسته و گریخته و به دور از مراکز شهری و عموماً با عدم اختلاط کاربری نمایان میشود که موجب اتلاف منابع و آسیب رسانی به زیست میگردد. این مقاله با هدف بررسی مفهوم و ابعاد رشد پراکنده شهری نخست توسعه شهری را و انواع آن را به معرفی گرفته؛ سپس مفهوم توسعه پراکنده را مورد شناساسایی قرار داده و ابعاد رشد پراکنده را برای درک بهتر مفهوم رشد پراکنده شهری به بررسی گرفته است.

کلمات کلیدی: توسعه شهری، رشد پراکنده، رشد افقی، تراکم.

مقدمه

شهرها همواره تحت تأثیر مجموعه‌یی از عوامل و نیروهای طبیعی، اجتماعی (مهاجرت و رشد طبیعی شهر)، اقتصادی (اشتغال)، سیاسی (نقش دولت)، شکل گرفته و گسترش می‌یابد، با توجه به مقتضیات زمان این عوامل ممکن است در سطوح مختلف محلی، منطقه‌یی، ملی با قدرت و نفوذ

بیشتری از سایر عوامل اصلی رشد و گسترش شهر، بستر طبیعی و رشد جمعیت شهری است که سایر عوامل با اثر گذاری بر آن در توسعه کالبدی شهر نقش پیدا میکنند (مختاری ملک آبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۲).

تحولات اخیری که در سطح اقتصادی و اجتماعی صورت گرفته، رشد و توسعه کالبدی شهرها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. با گسترش بخش خدمات و همچنین تمرکز صنایع در شهرها موجب جذب افراد بسیاری از روستاها به سمت شهرها شد. این مهاجرت روستاییها به شهرها نقش بسیار مهمی در ایجاد تراکم و ازدحام در شهرها داشته و باعث گسترش بدون برنامه آنها گردیده است. با اضافه شدن محلات جدید به محدوده شهرها، تقاضا را برای خدمات و تسهیلات شهری بیشتر نموده است؛ از طرف دیگر بر اثر تراکم جمعیت در شهرها و نیز رواج مبادلات اقتصادی آنها، قیمت زمین به صورت عجیبی افزایش یافته است. روستاییانی که به شهر مهاجرت کردند به دلیل نداشتن تمکن مالی منجر به استقرار در حواشی شهرها شده اند؛ بدین ترتیب به سرعت به گسترش کالبدی شهرها دامن زده اند. با گسترش روز افزون شهر، مناطق روستایی و مراکز جمعیتی اطراف شهر، به پیکره آن اضافه و در حقیقت تحمیل میشود و این امر توسعه کالبدی بدون برنامه را تشدید نموده و موجب زیر ساخت و ساز رفتن مناطق کشاورزی میگردد. (مشهدیزاده دهاقانی، ۱۳۸۹: ۴۱۹)

بروز انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ و ۱۹ تحولات بزرگی را در عرصه شهرها به وجود آورد که مهمترین آن افزایش جمعیت زیاد شهرها و به تبع آن گسترش کالبدی و فیزیکی این شهرها بود که نمونه بارز آن ظهور کلان شهرها بود. مهمترین نتیجه افزایش شدید جمعیت شهری، فشارهایی است که به دلیل تقاضاهای زیاد برای اقامت و خدمات و وابسته به آن، بر روی زمین وارد میشود و این فشارها نیز با رشد بی رویه جمعیت ناشی از مهاجرت های روستا به شهر شدیدتر میشود.

توسعه شهری، گسترش نهادهای اجتماعی و اقتصادی شهر برای آزاد نمودن انرژی و استعداد های بالقوه و نهانی شهروندان، شهر و رشد کالبدی شهر در این راستاست (مختاری ملک آبادی و همکاران، ۱۳۹۱: ۴). هیچ شهری در بلند مدت در شرایط ایستا باقی نمیماند. شهر مانند موجود زنده است و رشد آن متکی بر صنایع جدید، کارخانه ها، مؤسسات آموزشی و مساعدت امکانات حمل و نقل و ... است (راهنما و عباس زاده، ۱۳۸۷: ۲۰).

در این مقاله که با هدف بررسی مفهوم و ابعاد رشد پراکنده شهر میباشد، سعی شده با استفاده از منابع معتبر علمی و مقالات متعددی که در زمینه توسعه پراکنده در ژورنال های معتبر علمی به چاپ رسیده است، مفهوم درست و قابل فهمی از توسعه پراکنده شهری و ابعاد شناسایی این الگوی توسعه ارائه گردد. قابل ذکر است که نویسنده در نظر دارد که سلسله مقالاتی را در زمینه توسعه پراکنده و

ابعاد آن، اثرات توسعه پراکنده، الگوی توسعه پراکنده در شهر هرات و اثرات و پیامدهای این پدیده در این شهر در آینده نزدیک به چاپ برساند.

الگوهای رشد شهرها

رشد و گسترش فضایی هر شهر به صورت گسترش افقی و رشد فیزیکی یا رشد عمودی می‌باشد. هر کدام از این دو روش کالبد متفاوت و جداگانه‌یی از دیگر ایجاد مینماید. رشد فیزیکی به شکل افزایش محدوده شهر یا به اصطلاح گسترش افقی (پراکنده‌رویی) ظاهر میگردد و رشد عمودی به صورت درون ریزی جمعیت شهری و الگوی رشد شهر فشرده نمایان میشود. این الگوهای متفاوت به نسبت نوع گسترشی که در شهر به وجود می‌آورند؛ پیامدها و نتایج متفاوتی را نیز در پی دارند (رهنما و عباس زاده، ۱۳۸۷: ۲۱). الگوهایی که برای گسترش شهر قابل توصیف اند عبارتند از:

- الگوی گسترش افقی (پراکنده): توسعه و گسترش شهر با اشغال سطح زمین و فضای بیشتر انجام میگردد. مشکلات شهری همانند تراکم ترافیک، آلودگی هوا، آلودگی صوتی، اتلاف وقت و ... با گسترش پهن دشتی شهر کاهش می‌یابد. زمین مناسب برای کاربریهای متنوع به وفور یافت میشود. فقر یا اختلاف طبقاتی مانع دسترسی زمین و هوای آزاد نیست. همه افراد جامعه از آزادی و حق انتخاب برای دستیابی به مسکن مورد خود برخوردارند. طبیعت گرایی و اعتقاد به عدالت اجتماعی در این الگو مشهود است؛ شهر لُس آنجلس امریکا و شهر پهن دشتی بروداپکر دو نمونه از شهر با الگوی توسعه افقی است (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۳).

- الگوی گسترش عمودی: فلسفه وجود شهر، تقابل با طبیعت است. مسالمت آمیز نبودن همزیستی شهر و طبیعت، صدمات سنگینی بر طبیعت و محیط زیست وارد کرده است و تخریب اراضی کشاورزی، بالا بودن سطح اشغال جاده و افزایش سرانه کاربریها و ... از نتایج توسعه افقی شهر است. میتوان با کاهش گستره‌های شهری، آلودگی هوای ناشی از تردد اتومبیل در یک پهنه وسیع را کاهش داد، حفاظت از محیط زیست و دستیابی به توسعه پایدار در محیط‌های شهری تنها با شهر محدود شده میسر است. با افزایش تراکم ساختمانی و تراکم فعالیتها و تغییر در فرم ساخت شهر میتوان از توسعه بی رویه افقی شهر جلوگیری کرد. شهر متراکم نیویورک در این دسته جای میگیرد (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۳).

- الگوی گسترش منفصل: به لحاظ ماهیت هسته‌یی و تمرکزگرایی این شهرها برای واگذاری مسکن به اقشار مختلف اجتماعی و نیز حل مشکلات ازدحام در مادر شهرها، مراکز شهر نشینی متعددی، میتوان در پیرامون مادر شهر تدارک دید. با تمرکز زدایی از مادر شهر، خدمات رسانی و مدیریت شهری تسهیل میشود. نو شهرهای انگلیس با چنین الگویی بر پا شده اند (احمدی، ۱۳۹۳: ۱۳).

الگوی رشد پراکنده یا پراکنده روی

گسترش سریع و پراکنده شهری منجر به ورود پدیده‌های به حوزه شهرسازی و مطالعات شهری که از آن جمله میتوان به پدیده پراکنده‌رویی شهری اشاره نمود.

برای نخستین بار در سال ۱۹۵۸ یک نویسنده و منتقد اجتماعی به نام ویلیام وایت در یک مقاله کوتاه که در مجله فورچن منتشر شد عنوان پراکنده‌رویی را مطرح کرد. برداشت او مبتنی بر مشاهداتش از شهرهای بزرگ بود؛ به زعم او بزرگراه‌ها زمینه ساز گسترش سریع شهرها به مناطق روستایی اطراف بودند.

وایت در مقاله خود پراکنده‌رویی را با عنوان زیبایی شناسی بد و اقتصاد بد توصیف میکند. ۱۵ ایگر به جای یک ایگر عمل میکند و در عین حال خیلی ضعیف عمل میکند. که این مسأله برای کشاورزان، جوامع محلی، صنعت، زیرساختها، راه آهن، گروه های تفریحی و حتی برای توسعه دهندگان نا مناسب است (Frumkin et al, 2004 : 43).

پراکنده‌رویی پدیده‌ی است که در نیم قرن اخیر وارد ادبیات شهرسازی شده است. سابقه مطرح شدن این پدیده به ایالات متحده امریکا باز میگردد، زمانی که در اثر توسعه سیستم بزرگراه‌ها و استفاده بی‌رویه از اتومبیل شخصی گسترش شهری در امریکا صورت گرفت. این نوع توسعه که در اراضی آماده سازی نشده شهرها اتفاق افتاده اثرات زیادی بر شهر و پیرامون آن به همراه داشت.

تعریفهای پراکنده‌رویی و پراکنده‌رویی شهری

پراکنده‌رویی، توزیع کنترل نشده توسعه، بر روی زمین روستایی یا زمین بکر است. معمولاً نشان دهنده تراکم پایین، استفاده بی کفایت زمین، تبدیل زودرس زمینهای جنگلی به کاربریهای شهری، و توزیع توسعه به خارج از شهرها است (سیف الدینی، ۱۳۸۸: ۱۵).

پراکنده‌رویی شهری، گسترش نا منظم عمدتاً یک فرم گسترش بدون برنامه‌ریزی، متفرق و کم تراکم رشد شهری یا حومه شهری که در حاشیه‌های شهرک یا شهر، مخصوصاً در طول جاده‌های شعاعی به وجود می‌آید و غالباً منجر به هم پیوستن سکونت گاه‌هایی که سابقاً از هم جدا بودند، میشود. گسترش نا منظم ویژگی رشد حومه شهری در بریتانیا در طی جنگ داخلی بود، زمانی که کنترل‌های سخت برنامه ریزیهای کنونی وجود نداشت، مقادیر زیادی زمین کشاورزی به بورس بازان زمین فروخته میشد (سیف الدینی، ۱۳۸۸: ۱۸).

پراکنده‌رویی شهری اصطلاحی است که برای توصیف توسعه کم تراکم اطراف مناطق شهری به کار برده میشود، که اغلب مستلزم استفاده از اتومبیل توسط افراد برای حمل و نقل میباشد (Matthew, 2012 : 6).

پراکنده رویی فرمی از شهرنشینی با الگوهای جسته گریخته توسعه، نوارهای تجاری، تراکم پایین، کاربری اراضی جدا، تسلط اتومبیل و حد اقل فضای باز عمومی میباشد (Frumkin et al, 2004).

رشد شتاب آمیز با گسترش بیرون شهر و الگوهای کاربری زمین کم تراکم که وابسته به ماشین و مصرف بی رویه انرژی و زمین هستند. همچنین نیازمند سهم زیادی از جاده برای توسعه خدمات هستند، پراکنش افقی تعریف شده است (Anderson, 2005:13).
تعریفهای مختلفی از پراکندگی شهری بیان شده است که همه آنها دارای وجه اشتراک بوده و بر نا مطلوبیت این الگو برای توسعه شهری تأکید دارند (رهنما و عباس زاده، ۱۳۸۷: ۳۱).

ابعاد رشد پراکنده شهر

طیف وسیعی از پژوهشگران و برنامه ریزان شهر و همچنین علاقمند در زمینه مطالعه رشد پراکنده شهر، از ارائه یک تعریف دقیق و جامع از رشد پراکنده شهر را که از نظر تحلیل فضایی قابل سنجش باشد دشوار میدانند.

به صورت کلی برای پراکندگی میتوان ابعاد مختلفی را در نظر گرفت. در اینجا هشت بُعد مشخص از پراکندگی بیان شده است. اگر این مقادیر را به صورت یک زنجیره در نظر بگیریم مقادیر پایین تر در هر یک از این ابعاد میتواند بیانگر توسعه پراکنده تر باشد. ابعاد در نظر گرفته شده در اینجا ابعاد عینی کاربری زمین میباشد که اگر در مقادیر پایین یا در برخی ترکیبات بروز نماید پراکندگی را مشخص میسازد (Glaster, 2001:687-698).

۱) تراکم

تراکم، تعداد واحدهای مسکونی در هر هکتار از زمینهای قابل توسعه نواحی شهری میباشد. تراکم عمومی ترین شاخص شناسایی پراکندگی است (Gordon & Richardson, 1997:78-106). تراکم به صورت نسبت کل جمعیت ناحیه متروپول به کل زمین آن ناحیه بیان میشود؛ اما واحدهای مسکونی معیار بهتری برای اندازه گیری پراکندگی میباشد. همچنین زمین قابل توسعه - زمینی که هیچ شکلی طبیعی، کاربری عمومی یا موانع قراردادی برای توسعه آن در تراکمه های شهری وجود ندارد - برای محاسبه تراکم، مخرج بهتری از کل زمین ناحیه به شمار میآید؛ علاوه بر این، زمینهای قابل توسعه ناحیه برای اندازه گیری ابعاد دیگر الگوهای کاربری گزینه مفیدتری است. به کارگیری مقدار زمین قابل توسعه این امکان را به وجود میآورد که اشکال فیزیکی و محدودیتهای دیگری مانند فضای باز عمومی را که مانع توسعه میشود بر طرف سازیم تا نواحی قابل توسعه به تنهایی ارزیابی و مقایسه گردند؛ علاوه بر این، در تعیین این بُعد، تراکم مسکونی شاخص مفیدتری از توسعه غیر مسکونی

متلاطم تر از کاربریهای مسکونی میباشند که به علت اقتصاد انباشتگی و مقرراتی است که اینگونه توسعهها را کمتر محدود مینماید (راهنما و عباس زاده، ۱۳۸۷: ۳۲)؛ بنابراین میانگین تراکم این کاربریها در بررسی توزیع الگوی آنها شاخص کم اعتباری بوده و بر خلاف حالت واحدهای مسکونی، که ارتباط نزدیکی با جمعیت دارد، ارتباط بین تعداد تأسیسات شغلی و کارگری تا حد زیادی فرق میکند. میانگین شغل در هر هکتار ممکن است یک عنصر کم اهمیت تر از بعد تراکم باشد؛ زیرا با چرخه شغلی نوسان دارد؛ چون ما پراکندگی را به عنوان یک شرط کاربری تست میکنیم و کارخانه جات و کارگران جمع تر از ساکنان هستند، مناسب تر است که آنها را در بُعد دیگری به کار ببریم (راهنما و عباس زاده، ۱۳۸۷: ۳۲).

۲) پیوستگی

دومین بعد ذکر شده توسعه، پیوستگی، درجه یی است که زمینهای قابل توسعه فیزیکی در تراکمهای شهری بدون فاصله از هم (متصل) ساخته شده اند (Ewing, 1997:107-126; Harvey; Clark, 1965:1-9)

توسعه پیوسته در هر سطحی از تراکم ممکن است اتفاق افتد؛ به طور کلی اگر در توسعه شهری با فاصله از مرکز شهر از تراکم کاسته گردد؛ به عنوان پراکندگی شناخته میشود (Harvey, Clark, 1965:9; Lockwood, 1999:82-91)؛ بنابراین پیوستگی توسعه نواری کم تراکم در طول شاهراههای مهم حومه شهر است (Ewing, 1997:107-126). تعدادی از مفسران «ناپیوستگی» را به عنوان یک ویژگی مهم پراکندگی تعیین میکنند. پیوستگی را به صورت توسعه جسته و گریخته که زمینهای توسعه نیافته را پشت سر میگذارد و ترکیبی از قطعات توسعه یافته و توسعه نیافته را پدید میآورد» نیز تعریف کرده اند (Ewing, 1997:107-26; Gordon, Richardson, 1997:89-106).

بر اساس این تعاریف، پراکندگی میتواند در برخی مکانها پیوسته و در برخی دیگر ناپیوسته باشد توسعه ناپیوسته در برخی مکانها میتواند به عنوان پراکندگی شناخته شود؛ اما در برخی دیگر شاید این طور نباشد؛ بنابراین توسعه مراکز شهری برنامه ریزی شده با تراکمهای متوسط بالا و جدایی در طول شاهراه های حمل و نقل به وسیله کمربند سبز یا فضاهای باز دیگر ممکن است توسط برخی مفسران به عنوان پراکندگی توصیف شود؛ همین طور توسعه بخشهای فرعی کم تراکم یا مراکز تجاری یا پارکهای صنعتی و اداری که از زمینهای قابل توسعه گذشته اند، ممکن است به پراکندگی تعبیر شود. به هر حال مطالعات صورت گرفته، به ندرت بین پراکنش کم و زیاد در سراسر چشم انداز فرق میگذارد.

این موضوع مخصوصاً هنگامی صدق میکند که تراکم فقط توسط نسبت جمعیت به زمین ناحیه

اندازه گیری شود. روشهای پیچیده تر، شاخصهای پیشنهادی گرادیانهای تراکم را، هم برای محاسبه تراکم و هم برای جنبه غیر متمرکز بودن پراکندگی، به کار برده اند؛ از جمله تراکم حد سرشماری که شامل ۱۰ درصد از جمعیت ناحیه متروپول است (احمدی، ۱۳۹۲: ۶۷).

(۳) تمرکز

تمرکز درجه یی است که رشد و توسعه به جای اینکه در کل ناحیه پراکنش عادلانه داشته باشد؛ به طور نامناسب تنها در فضاهای محدودی از کل ناحیه شهری واقع شده است (راهنما و عباس زاده، ۱۳۸۷: ۳۴).

یک ناحیه شهری ممکن است؛ به طور پیوسته توسعه یابد؛ در حالی که هیچ ناحیه شهری به طور عادلانه توسعه نیافته است. بعد تراکم چگونگی توزیع کاربرهای مسکونی را نشان نمیدهد؛ به طور مثال در یک ناحیه ۱۰۰ مایل مربعی با ۵۰۰۰۰۰ سکنه و ۲۰۰۰۰۰ شغل، میانگین تراکم مسکونی ۵۰۰۰ واحد در هر مایل مربع و میانگین تراکم شغلی ۲۰۰۰ شغل در هر مایل مربع است. مساکن و مشاغل میتوانند در آرایشهای نامحدود، اما با درجات مساوی پیوستگی توزیع شوند (شورجه، ۱۳۹۳: ۵۶).

(۴) خوشه بندی (مجموعه بندی)

خوشه بندی درجه یی است که توسعه فیزیکی به طور شدید دسته بندی میشود تا مصرف مقدار زمین در هر هکتار از زمینهای قابل توسعه را که وسیله کاربرهای مسکونی یا غیر مسکونی اشغال میشود، به حداقل برساند (راهنما و عباس زاده، ۱۳۸۷: ۳۵).

پراکندگی عمدتاً به عنوان یک عامل متضاد برای توسعه انباشته یا خوشه بندی شده، به کار گرفته میشود؛ بنابراین اثرات آن فقط بخش کوچکی از زمین ناحیه هایی را که با آن در ارتباط است، در بر میگیرد (Gordon, Richardson, 1997: 89-106). خوشه بندی یک بعد مشخص از توسعه زمین است بر خلاف تراکم و تمرکز که با توسعه الگوها در سراسر شبکه ها ارتباط است، خوشه بندی با الگوهای توسعه درون شبکه ها در ارتباط است. توسعه ممکن است متراکم و متمرکز باشد؛ ولی هنوز خوشه بندی نشده باشد (زیرا به طور یکنواخت درون تمام شبکه ها، تراکمه های بالا و پایین پخش شده است). برعکس، یک ناحیه شهری ممکن است تراکم و تمرکز پایین داشته باشد؛ اما اگر کاربرهای شهری موجود درون هر شبکه شدیداً دسته بندی شده باشند، خوشه بندی آن بالا میآید. توسعه خوشه یی، اگر در نقاط مختلف ناحیه واقع شده باشد، ممکن است فاصله های سفر را کاهش دهد؛ اما لزوماً فاصله بین محل کار و زندگی را کاهش نمیدهد. (آلن، ۱۳۸۸: ۱۸).

(۵) مرکزیت (میانگاهی)

مرکزیت درجه یی است که توسعه های مسکونی یا غیر مسکونی (یا هر دو) به صورت نزدیک به

بخش مرکزی شهر (CBD) ناحیه شهری واقع شده است. فقدان مرکزیت یکی از تأسف بارزترین مسایل پراکندگی است. عموماً این بُعد، حدی را که توسعه سراسر چشم انداز با فاصله از مرکز تاریخی یا بخش مرکزی شهر در ناحیه پخش شده، بیان میکند. عدم مرکزیت نواحی شهری اغلب علت فاصله ها و زمانهای طولانی سفر و ناکارآمدی کاربری زمین میباشد. مرکزیت ناحیه شهری به صورت شعاعی است که از CBD شروع و هر چه نسبت بیشتری از توسعه در مکان کمتری متمرکز شده باشد، مرکزیت بالاتر است. برعکس، وقتی همان نسبت توسعه در فواصل زیادتری قرار بگیرد، پراکندگی بزرگتری را نشان میدهد (بزرگمهر، ۱۳۹۰: ۴۵).

۶) هسته‌یی (قطبی بودن)

هسته‌یی بودن حدی است که یک ناحیه شهری توسط الگوی تک‌هسته‌یی در مقابل الگو چند هسته‌یی توسعه مشخص میشود. مرکزیت بهترین اندازه مناسب برای نواحی شهری تک‌هسته‌یی است. نواحی شهری ایالات متحده به طور قابل توجهی چند هسته‌یی شده اند؛ زیرا در همان حال که مراکز تاریخی کاهش یافته؛ اما مراکز خروجی و حاشیه‌های شهری رشد کرده و مراکز مختلف عملکردهای خاصی را به وجود آورده است؛ مثل مراکز مالی، مراکز تکنولوژی، خرده فروشی یا کانونهای تولید. اگر CBD تنها مکان هندسی توسعه شدید یک ناحیه باشد، آن ناحیه شهری ممکن است یک یا چند هسته داشته باشد؛ اما اگر میانگین تراکم هسته‌ها به طور معناداری بزرگتر از میانگین تراکم بقیه ناحیه شهری نباشد، تمرکز پایین خواهد بود. منطق ذکر شده به این نتیجه منتهی میشود که هسته‌یی بودن یک جنبه، تصویری دیگر از ابعاد پراکندگی. هسته‌یی بودن یک بعد مهم است. الگوی چند هسته‌یی ممکن است هزینه‌های برخی از مردم را از طریق کاهش مسافرت آنها به محل کار کاهش دهد؛ اما احتمالاً برخی هزینه‌های دیگر را افزایش میدهد؛ بنابراین زمین در مجاورت گروه‌های مهم شغلی ارزش پیدا میکند (راهنما و عباس زاده، ۱۳۸۷: ۳۷).

۷) کاربری ترکیبی

مسئله این است که الگوهای منحصر به فرد کاربری زمین، شامل تفکیک منازل، محلهای کار و تسهیلات و همچنین تبعیض در آمدی در بین جوامع مسکونی، پراکندگی راسبب میشود. هر چه ترکیب کاربریها در یک جامعه کاهش یابد زمان و مسافت سفر برای کسانی که در آنجا زندگی میکنند افزایش می‌یابد. اگر انحصاری بودن کاربری در نواحی کوچک نمونه‌یی از کل ناحیه شهری باشد، باید افزایش ناسازگارهای منسوب به پراکندگی مثل تراکم ترافیک، طولانی شدن سفر و زمانهای مسافرت را انتظار داشت.

کاربریهای ترکیبی یا عدم آن اغلب از برخی اندازه‌گیریهای دسترسی مثل مسافتی که وسیله نقلیه

طی میکند یا زمانی که در سفر طی میشود، به دست میآید؛ اما اینگونه اندازه گیریها، مشخص نمیسازد که آیا علت این دسترسها تفکیک و ترکیب کاربریهاست یا اینکه عوامل دیگری مانند رفتار خانوار در آن هر مربع نسبت مساوی از ساکنان و شاغلان تأثیر دارد (احمدی، ۱۳۹۲: ۴۱).

به طور مفهومی، مجاورت میانگین فاصله‌ی است که مردم باید از هر خانه یا فضای مسکونی تا هدف دیگر یا فضای شغلی طی کنند؛ بنابراین در یک ناحیه شهری که اکثر مردم باید فواصل زیادی را طی کنند (راهنما و عباس زاده، ۱۳۸۷: ۳۸).

نتیجه گیری

الگوهایی که برای گسترش شهر قابل توصیف بوده اند: الگوی گسترش افقی؛ با اشغال سطح زمین و فضای بیشتر و ویژگیهای خود و الگوی گسترش عمودی؛ تخریب اراضی کشاورزی، بالا بودن سطح اشغال جاده و افزایش سرانه کاربریها و ... از نتایج توسعه افقی شهرها است، میتوان با کاهش گستره های شهری، آلودگی هوای ناشی از تردد موترها را در یک پهنه وسیع کاهش داد، حفاظت از محیط زیست و دستیابی به توسعه پایدار در محیط های شهری تنها با شهر محدود شده میسر است. با افزایش تراکم ساختمان و تراکم فعالیتها و تغییر در فرم ساخت شهر میتوان از توسعه بی رویه افقی شهری جلوگیری کرد. الگوی دیگر، گسترش منفصل است که به لحاظ ماهیت هسته‌یی و تمرکزگرایی شهرها برای واگذاری مسکن به اقشار مختلف اجتماعی و نیز حمل مشکلات ازدحام در مادر شهرها، مراکز شهرنشینی متعددی میتوان در پیرامون مادر شهر تدارک دید. با تمرکز زدایی از مادر شهر، خدمات رسانی و مدیریت شهری تسهیل میشود.

یکی از اشکال گسترش افقی شهر و فرم نسنجیده آن پراکنده رویی شهری (Urban Sprawl) است؛ گسترش نامنظم شهری عمدتاً یک فرم گسترش بدون برنامه ریزی، متفرق و کم تراکم رشد شهری یا حومه شهری که در حاشیه های شهر، مخصوصاً در طول جاده های شعاعی به وجود میآید و غالباً منجر به هم پیوستن سکونتگاه های که سابقاً از هم جدا بودند، میشود. از طرفی شاخصهای گسترش شهری و رشد افقی شهرها مبتنی بر: پراکنده گی شهرها در شبکه شهری منطقه، تراکم تعداد واحد مسکونی در هکتار، تمرکز خوشه بندی و پیوستگی تعیین میشود.

پراکنده گی شهری یکی از پدیده های است که در ۵۰ سال گذشته در شهرهای بزرگ و سپس در شهرهای میانی رخ داده است.

منابع

۱. آلن، رمی. (۱۳۸۸). **مورفولوژی شهری - جغرافیا آمایش و معماری شهر**. ترجمه علی اشرفی. تهران: انتشارات دانشگاه هنر.
۲. احمدی، قادر، محمدمهدی عزیزی و اسفندیار، زبردست. (۱۳۸۹). **بررسی تطبیقی پراکنده‌رویی در سه شهر میانی ایران، نمونه موردی: شهرهای اردبیل، سنندج و کاشان**. تهران: نامه معماری و شهرسازی، دو فصلنامه دانشگاه هنر، شماره ۵.
۳. بزرگمهر، نسیم - حبیبی، میترا و برک‌پور، ناصر. (۱۳۹۰). **ارزیابی طرح پیشنهادی توسعه شهر کرج مبتنی بر رویکرد رشد هوشمند**. فصلنامه معماری و شهرسازی.
۴. پارسی، حمیدرضا و فراهانی فرمینی، بهراد. (۱۳۹۳). **تحلیل پدیده پراکنده‌رویی شهری در دامنه‌های شهرهای بزرگ (مطالعه موردی: دامنه‌های شمالی اصفهان)**. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات شهری، شماره دهم.
۵. حسین‌زاده دلیر و دیگران. (۱۳۹۱). **تحلیل الگوی توسعه پراکنده کلانشهر تبریز با استفاده از مدل شانون و تعیین جهت گیری توسعه فیزیکی آن**. فصلنامه نقش جهان، سال دوم، شماره ۲.
۶. داودپور، زهر و اردلان، داریوش. (۱۳۸۷). **بررسی تطبیقی عوامل مؤثر بر گسترش شهرهای بزرگ و میانی، نشریه مدیریت شهر، سال دوم، شماره ۳**.
۷. رهنما، محمدرحیم و عباس زاده، غلامرضا. (۱۳۸۷). **اصول، مبانی و مدل‌های سبش فرم کالبدی شهر**. مشهد: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۸. راهنمایی، محمد تقی. (۱۳۶۹). **مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی**. وزارت مسکن و شهرسازی.
۹. زبردست، اسفندیار و حبیبی، سارا. (۱۳۸۸). **بررسی پدیده پراکنده‌رویی و علل آن در شهر زنجان**. تهران: نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، شماره ۲۸.
۱۰. سیف الدینی، فرانک. (۱۳۸۳). **گسترش حومه‌ای شهرها**. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۳، پژوهشکده امیرکبیر.
۱۱. شیعه، اسماعیل. (۱۳۸۰). **مقدمه‌ای بر مبانی برنامه ریزی شهری**. تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران.
۱۲. طیبیان، منوچهر و اسدی، ایرج. (۱۳۸۷). **بررسی و تحلیل عوامل پراکنده‌رویی در توسعه فضایی مناطق کلانشهری**. نشریه نامه هنر، سال اول، شماره ۲.

۱۳. عزیزی، محمد مهدی و یارمحمدی، سیما. (۱۳۹۳). **تأثیر تقسیمات کشوری جدید بر پراکنده‌روی شهری (مطالعه موردی: شهر بجنور)**. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۹، شماره ۲.

۱۴. علی پور، کیوان و علی احمدی، نسرین. (۱۳۹۵). **مفهوم توسعه و نظریه‌های توسعه شهری**. دومین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری، بابل، مؤسسه علمی تحقیقاتی کومه علم آوران دانش. http://www.civilica.com/Paper-ACUC02-ACUC02_036.html

۱۵. فکوهی، ناصر. (۱۳۸۲). **انسان شناسی و توسعه**. تهران: چاپ ششم. انتشارات قدس.

۱۶. مختاری، ملک آبادی و همکاران. (۱۳۹۱). **تحلیل الگوی گسترش شهر به‌شهر بر اساس مدل‌های کمی برنامه ریزی منطقه‌ای**. مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال سوم، شماره هشتم.

۱۷. مشهدی‌زاده دهاقانی، ناصر. (۱۳۸۹). **تحلیلی از ویژگی های برنامه ریزی شهری در ایران**. تهران: چاپ نهم. انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

۱۸. نظریان، اصغر و همکاران. (۱۳۸۸). **ارزیابی توسعه فیزیکی شهر شیراز با تاکید بر عوامل طبیعی**. فصلنامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس، شماره ۱.

19- Ahmadi, Ahmad Sharif and Kajita, Yoshitaka. (2016). **Evaluating Urban Land Expansion Using GIS and RS in Kabul City-Afghanistan**. International Journal of Environmental, Chemical, Ecological, Geological and Geophysical Engineering. VO: 10, NO: 9, 2016.

20- B. Bhatta. (2010). **Anaylsis of Urban Growth and Sprawl From Remote Sensing Data, Advances in Geographic Information Science**, Springer-Verlag, Berlin Heidelberg.

21- Hoshmand Ebrahimpour-Masoumi. (2012). **Urban Sprawl in Iranian Cities and Its differences with the western sprawl**. Spatium International Review, NO. 27, August 2012.

22- Ewing, Ried (1997). **Is Los Angeles style sprawl desirable?** Journal of American planners association, 63(1), 107-127.

23- Frumkin, Howard, Frank, Lawrence, Jackson, Richard. (2004). **Urban Sprawl and Public Health designing, Planning and building for healthy communities**, Island Press.

24- Galster, George, Hanson, Royce, R. Ratchiffe, Michael, Wolman, Harold, Coleman, Stephen. (2001). **Wrestling Sprawl to the ground: Defining and measuring**

an elusive concept, Housing policy Debate, Volume 12, Issue 4.

25- I. Stan, Angelica. (2013). **Morphological patterns of urban sprawl territories**. Urbanism, Architecture, Construction journal, VO: 4, Nr: 4. 2013.

26- Kumar Jat, Mahesh, Garg, P.K. & Khare, Deepak. (2007). **Monitoring and modeling of urban sprawl using RS and GIS techniques**. International Journal of Applied Earth Observation and Geo-information 10, 2008.

27- Matthew D. Millar. (2012). The impacts of Atlanta's urban sprawl on forest cover and fragmentation, Journal of Applied Geography.

28- Mauricio Polidoro, Jose Augusto Del Lollo, Mrian Vizitim Fernandes Barros. (2011). **Environmental Impacts of Urban Sprawl in Londrina, Paraná, Brazil**. Journal of Urban and Environmental Engineering. VO: 5, NO: 2, 2011.

29- Ottensmann, R. John (1997). Urban sprawl land values and the density of development, Land Economics, 53, 4, November 1977.

30- Qayoomi, Ahmad Timor. (2012). **Herat Urban Patterns**. Master degree Thesis, University of Florence, Italy.

31- Robert W. Burchell, Anthony Downs, Barbara Mc Cann, Sahan Mukherji. (2005). **Sprawl Cost**. United State of America, Island press.

32- Walid Oueslati, Seaphim Alvanides, Guy Garood. (2015). **Determinants of Urban Sprawl in European Cities**. Urban Studies Journal Limited, 2015.